



## The Influence of Religion and Religious Values in Public Policy Making

\_\_\_\_\_ AliAkbar Nedae<sup>1</sup> \_\_\_\_\_

1. Graduated in Phd level in Public Policy Making, Islamic Azad University, Qom branch, Qom, Iran.

**DOI:** 10.22034/NRR.2022.53541.1159

**URI:** [https://nrr.tabrizu.ac.ir/article\\_15851.html](https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_15851.html)

**Corresponding Author:**  
Ali Akbar Nedae

**Email:**  
aristockles@yahoo.com

**Received:** 2022/09/20  
**Accepted:** 2022/12/16  
**Available:** 2023/01/27

**Open Access**



**Keywords:**

Religion, Religious values, Policy making, Policies, Restrivtions.

### ABSTRACT

The foundation of Public Policymaking in the West is on the tradition of liberalism, and religion is not given importance due to the existence of secular and nonreligious governments, and religion is absent in policymaking. Infaring this field to religious countries, governments and societies, especially Iran, it becomes necessary to address the element of religion in Policy making. This issue has not been addressed and there is still a gap, and addressing that is article's purpose. The hypothesis stipulates that religion can also appear as an effective factor in the field of public policy and play a role in the success and failure of policies. To prove, the modern rational choice theory was used and by using the qualitative method in analyzing the impact of religion on the policy making process; by studying scientific books and articles. The findings indicate positive and negative effects on policies, depending on the level of attention and involvement of the religious factor by Policymakers. The result emphasizes the need for Policymakers to pay attention to this important factor in line with the theoretical foundations of the research in order to achieve more success and favorability in public policy making.



## فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



### تأثیر دین و ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری عمومی

علی اکبر ندائی\*۱

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2022.53541.1159

URI: [https://nrr.tabrizu.ac.ir/article\\_15851.html](https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_15851.html)

#### چکیده

#### نویسنده مسئول:

علی اکبر ندائی

#### ایمیل:

aristockles@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷

#### دسترسی آزاد



#### کلیدواژه‌ها:

دین، ارزش‌های دینی، سیاست‌گذاری، سیاست‌ها، محدودیت.

بنیان سیاست‌گذاری عمومی در غرب بر اساس سنت لیبرالیسم است و به دین به دلیل وجود دولت‌های سکولار و غیر دینی اهمیت داده نمی‌شود و دین در سیاست‌گذاری غائب است؛ اما با ورود این رشته به کشورهایی که دولت‌ها و جوامعی دینی دارند، بالاخص، ایران، لزوم پرداختن به عنصر دین در سیاست‌گذاری ضرورت می‌یابد. موضوعی که بدان پرداخته نشده و خلأ آن باقی و پرداختن بدان هدف این مقاله است. فرضیه پژوهش مقرر می‌دارد که دین نیز می‌تواند به عنوان یک عامل موثر در عرصه سیاست‌گذاری عمومی ظاهر شده و در موفقیت و عدم موفقیت سیاست‌ها نقش آفرینی نماید. برای اثبات مدعا، از نظریه انتخاب عقلانی نوین استفاده شده و با بکارگیری روش کیفی در تحلیل تأثیر دین بر فرایند سیاست‌گذاری؛ با مطالعه کتب و مقالات علمی به این مهم پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش از اثرگذاری مثبت و در برخی موارد منفی بر سیاست‌ها، بسته به میزان توجه و دخالت دادت عامل دین توسط سیاست‌گذاران حکایت دارد. نتیجه پژوهش بر ضرورت توجه سیاست‌گذاران به این عامل مهم در راستای مبانی نظری تحقیق برای کسب موفقیت و مطلوبیت بیشتر در سیاست‌گذاری عمومی تاکید دارد.

## بیان مسأله

سیاست‌گذاری عمومی به دلیل مسئله محور بودن باید به تمام جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه نظر داشته و جهت نیل به اهداف این جنبه‌های اثرگذار و دخیل در تدوین و اجرای سیاست‌ها را سنجیده و لحاظ نماید. توجه به عوامل و زمینه‌های مذکور، نباید از سوی سیاست‌گذار نادیده گرفته شود و یا کم‌ارزش و غیر ضروری تلقی گردد. در جوامع سکولار و غیر دینی، سیاست‌گذاری بدون در نظر گرفتن عامل دین و مذهب صورت می‌گیرد و دین و ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری موضوعیت ندارد. اما در کشورهایی که جامعه و حکومت‌های دینی دارند، باید این عامل مهم و اثرگذار در نظر گرفته شود تا سیاست‌گذاری قرین موفقیت گردد. سوال اصلی این است که، تأثیر دین بر سیاست‌گذاری عمومی چیست؟ سوال فرعی در صدد کشف این است که، توجه یا عدم توجه به دین در جوامع دینی چه تأثیراتی بر سیاست‌گذاری دارد؟ نوشتار حاضر در پی پیدا کردن پاسخ این پرسش است. در جوامع دینی، معمولاً با تشکیل حکومت دینی و ساختارهای آن، این امر را حل شده دانسته و به همین دلیل به اهمیت آن در سیاست‌گذاری به طور شایسته پرداخته نشده است و از سویی این دغدغه برای جامعه علمی و دانشگاهی؛ به دلیل نگرش به مسائل از روزه علوم و نظریه‌های غربی، وجود نداشته است. بنابراین وجود این خلاء، محرک انجام این پژوهش گردیده است. در مقاله پیش‌رو از نظریه انتخاب عقلانی محدود، به عنوان چارچوب نظری تحقیق؛ بهره گرفته شده است و نشان داده شده است که دین و ارزش‌های دینی چه تأثیری بر روند سیاست‌گذاری در بستر حکومت‌ها و جوامع دینی دارند. در پژوهش پیش‌رو از روش کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی در جهت تحلیل اثرات دین و ارزش‌های دینی بر روند سیاست‌گذاری؛ استفاده گردیده است و با مطالعه و جستجو از کتب و مقالات مختلف علمی بهره گرفته شده و بدین مهم، همت گماشته شده است. در برخی از مباحث علاوه بر توصیف اثرگذاری دین با نگرشی آسیب‌شناسانه و خالی از ارزش‌گذاری به موضوعات پرداخته شده است؛ تا بدین وسیله تأثیرات ملحوظ نمودن و یا عدم توجه به دین در روند سیاست‌گذاری عمومی روش‌تر گردد. یافته‌ها در این تحقیق بر هر دو نوع اثرگذاری مثبت و منفی در سیاست‌گذاری حکایت دارد و در آن تأثیر دین در هر دو پیوستار منفی و مثبت را شامل بوده است و بی‌تأثیر بودن دین و ارزش‌های دینی بر سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاران مردود دانسته شده است. بنابراین این پژوهش بیان می‌دارد که در جوامع دینی ملحوظ داشتن عامل مهم دین و اثرات آن، و اجتناب نمودن از آسیب‌های عدم توجه به این عامل مهم و بهره‌گرفتن از مزیت‌های آن، به کارآمدی و اثربخشی هر چه بیشتر سیاست‌ها منجر گردیده و سیاست‌گذار می‌تواند با شناخت محدودیت‌ها و مزیت‌هایی که دین بر سیاست‌ها، ابزار و روش‌های سیاست‌گذاری تحمیل می‌گردد، از آنها اجتناب نماید یا بهره‌مند گردد، تا قرین موفقیت گردد.

## پیشینه

متأسفانه، تحقیقات بسیار اندکی در مورد تأثیر دین و ارزش‌های دینی بر سیاست‌گذاری عمومی انجام گرفته است. مهمترین اثر مقاله‌ای، با عنوان «الگوی مفهومی سطوح تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی بر خط مشی‌گذاری فرهنگی»، است که به نقش دین در خط مشی‌گذاری‌های فرهنگی اشاره نموده و در سه سطح ارزیابی و انتخاب خط مشی، معارف دین به عنوان گنجینه و منبعی برای استخراج گزینه‌ها و راهکارها برای خط‌مشی‌گذاری و سطح سوم که مربوط به خود مساله و آگاهی از آن است، پرداخته شده است. (خنیفر، آقداغی، ۱۳۹۴) این پژوهش فقط به تأثیر ارزش‌های دینی در عرصه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی پرداخته است؛ اما پژوهش پیش رو محدود به چند سطح در یک عرصه مانند فرهنگ که بیشتر جنبه فردی دارد، نگردیده است. مقاله دیگری که به دین و آموزه‌های دینی در سیاست‌گذاری پرداخته است، تحت عنوان «تحلیل نقش دین در سیاست‌گذاری ایدز در ایران» نگاشته شده و در فصلنامه «پژوهش در دین و سلامت» به چاپ رسیده است؛ که در آن به نقش دین و آموزه‌های دینی و روحانیون به عنوان افراد حاضر در قدرت، در پیشگیری و ابتلاء به بیماری ایدز در ایران اشاره شده و تأثیر منفی دین نیز در آن به طور محدود قید شده که بیشتر به جنبه اخلاقی دین در کاهش آثار یک انحراف اجتماعی نظر دارد. (خدایاری زرنق و همکاران، ۱۳۹۶) اما تحقیق حاضر، محدود به قشر خاص نگردیده است و کارکردی سلبی برای دین در نظر نگرفته است. همچنین در فصل پنجم کتاب، «تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی»، نشر «سمت»، به نقش «توکل» به عنوان عاملی از ارزش‌های دینی موثر در خط‌مشی‌گذاری پرداخته شده است، (الوانی، ۱۳۹۲) و بر خلاف این مقاله به سایر عوامل دخیل در آن اشارتی نرفته است. مقاله دیگر با نام «قرآن کریم و خط‌مشی‌های سیاسی»، که در صدد استخراج و طبقه‌بندی خط‌مشی‌های سیاسی از قرآن است، آنها را بر سه دسته خط‌مشی‌های فراگیر، خط‌مشی‌های هادی و خط‌مشی‌های عمومی تقسیم نموده و دو نوع اول را در قرآن کلی دانسته و نوع سوم را مرتبط با سیاست‌گذاران و اجتماع تعریف کرده است که بسته به زمان و شرایط متغیر است (لک زایی، احمدی، ۱۳۹۲) این مقاله بسیار کلی است و خط‌مشی‌های نوع سوم یعنی عمومی را مربوط به جامعه می‌داند که از سوی خط‌مشی‌های نوع اول و دوم هدایت می‌شوند. این تحقیق در نهایت چند اصل کلی برای سیاست‌گذاری بر شمرده است که عبارت هستند از، خدامحوری، عدالت محوری و امنیت محوری، و مانند نوشتار حاضر جنبه سیاست‌گذارانه آن پررنگ نیست. در نهایت در نوشته «درآمدی بر اصول سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از قرآن کریم»، که به سیاست‌گذاری اجتماعی نظر دارد و موضوع هدایت را به قرآن مربوط دانسته و در تلاش است تا آن را به سیاست‌گذاری مرتبط سازد چون قرآن را کتاب هدایت می‌داند. از سویی مقاله نگرشی آسیب شناسانه دارد و صلاحیت سیاست‌گذاری را به خداوند و قرآن واگذار می‌نماید. (قاسمی، ۱۳۹۰) پژوهش بسیار کلی است و مدعی است می‌توان شیوه‌ای بر اساس قرآن برای سیاست‌گذاری

ارائه داد اما خود چگونگی این مهم را روشن نمی سازد. از سویی در همه این نوشته‌ها تأثیر دین در سیاست‌گذاری مفروض و بدیهی دانسته شده است در حالیکه این نوشته در صدد واکاوی و بیان چگونگی تأثیر عامل دین در سیاست‌گذاری است.

مبانی نظری تحقیق: چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش، نظریه «انتخاب عقلایی محدود»<sup>۱</sup> است که توسط هربرت سایمون مطرح گردیده است. نظریه انتخاب عقلایی در ابتدا در اقتصاد پایه‌گذاری گردید و بعدها به سیاست و علوم سیاسی راه یافت و از آن در پیش بینی رفتار و چگونگی مشارکت شهروندان در رای دهی استفاده شد. بعدها به دلیل عدم وجود شرایط و محیط اطمینان برای اخذ تصمیمات و سیاست‌گذاری، نوع تعدیل شده آن به وسیله هربرت سایمون به نام نظریه انتخاب عقلایی محدود مطرح شد که به رضایت بخشی تصمیمات نظر داشت.

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، نظریه انتخاب عقلایی نقش بسیار مهمی در علوم سیاسی پیدا کرده است. آنتونی داونز پیشگام در کاربرد نظریه انتخاب عقلایی در رفتار انتخابات و رقابت حزبی بود. بر اساس مطالعه او، چنین به نظر می‌رسید که آراء فردی برای حزب اگر به قدرت دست می‌یافت، دارای بالاترین فایده باشد. تصور چنین است که انگیزه احزاب صرفاً رسیدن به قدرت است و بدین علت با تغییر در خط‌مشی‌های سیاسی خود برای بدست آوردن رای به رقابت می‌پردازند. (مارش، استوکر، ۱۳۹۰:۱۲۹)

هربرت سایمون با طرح ایراداتی به این نظریه خود به تعدیل آن پرداخته و نظریه عقلانیت محدود را مطرح نمود.

«سایمون» کامل بودن اطلاعات عامل اقتصادی و بی هزینه بودن کسب اطلاعات را رد کرد که این ایرادها در پیدایش نظریه عقلانیت محدود او نقش داشت. خلاصه نظریه وی این است که عامل اقتصادی معمولاً تحت شرایطی که او را احاطه کرده وادار می‌شود که به وضعیتی پایین‌تر از ایده‌آل مورد نظر خود رضایت داده، با توجه به شرایط خود آن را بهترین بداند. به همین دلیل نظریه عقلانیت محدود او را بعداً «رضایت‌مندی»<sup>۲</sup> نامیده‌اند. (آقانظری، دانش، ۱۳۹۱:۱۶۷)

اولین و هنوز هم اساسی‌ترین حوزه به کارگیری انتخاب عقلانی در خارج از علوم اقتصادی، استفاده از آن در علوم سیاسی است. ظاهراً اکثر دانشمندان علوم سیاسی به شدت باورشان شده یا این گونه تلقی می‌کنند که انتخاب عقلانی، فردگرایانه است، اما (در این خصوص) چندان به جزئیات معنای دقیق و قصد یا نیت کنشگر

1 . Bounded Rational choice  
2 . Satisfaction

نمی‌پردازند. در عین حال، انتخاب عقلانی اساساً به صورت نظریه بازی، وارد حیطه علوم سیاسی شده است. (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۷)

با توجه به اینکه این نظریه به ساختارهای اجتماعی، نهادی و نیز به فرد و تصمیمات آن در سیاست‌گذاری اهمیت می‌دهد و هم اینکه نظریه‌ای هنجاری محسوب می‌گردد، و از سویی دین به عنوان یکی از عوامل مهم در ساختارهای اجتماعی و نهادی در جوامع دینی حاضر است و نقش آفرینی می‌کند، می‌تواند به کمک این پژوهش بیاید. همچنین تاکید این نظریه بر لحاظ نمودن حداکثری طیف‌های گسترده‌ای از عوامل دخیل در تصمیم‌گیری می‌تواند دلیل روشن دیگری بر توجه به عامل مهم دین به عنوان یکی از عوامل دخیل در سیاست‌گذاری به مثابه محیط سیاست‌گذاری باشد. دیوید مارش و جری استوکر در کتاب «روش و نظریه در علوم سیاسی» در مدح این نظریه مدعی گردیدند که: «انتخاب عقلایی هم رهیافتی مثبت برای تبیین سیاسی بوده و هم آشکارا کاری هنجاری است. نقطه قوت این رهیافت در این است که این توانایی را دارد تا طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها و دل‌مشغول‌های نظریه‌پردازان سیاسی را تحت یک عنوان گردآوری نماید. کاربرد نظریه انتخاب عقلایی به علت مفروضاتی که در مورد ساختار اجتماعی و متغیرهای نهادی ارائه می‌دهد و به علت اهمیتی که برای معنای منفعت شخصی قائل است، می‌تواند کمکی به طیف وسیعی از نظریه‌ها باشد و ممکن است به تبع این کاربرد، مدل‌ها و پیامدهای هنجاری بسیار متفاوتی، بسته به اینکه با چه نظریه‌ای همراه شده، ایجاد گردند.» (مارش، استوکر، ۱۳۹۰: ۱۳۳) اکنون به این تأثیرات در این نوشتار اشاره می‌گردد.

#### ۱. لزوم توجه سیاستگذار به یک عامل بیشتر

هر جامعه‌ای بر مبنای باورهای سنتی و فرهنگی خاصی بنا شده؛ و صحبت از جامعه بدون پایه‌های فرهنگی و سنتی آن بی‌معنی است. فقط نقش و تأثیر این دو مقوله است که شاید در جوامع مختلف متفاوت باشد. برخی جوامع سنتی‌ترند و نقش فرهنگ عجین شده با دین در آنها پررنگ‌تر است. بدون تردید وقتی از چنین جوامعی صحبت می‌شود، نمی‌توان نامی از جامعه ایران نبرد. کشور ایران به دلیل فرهنگ و سنت‌های دیرینه و غنی و نیز باورهای پررنگ دینی، سرآمد کشورهای است که در آنها فرهنگ، سنت و باورهای دینی تأثیر پررنگی در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه از خود به جای می‌گذارد. (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳)

بر اساس نظریه انتخاب عقلانی محدود که بر در نظر گرفتن همه جنبه‌های یک جامعه برای اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات مطلوب تاکید می‌نماید، باید سیاست‌گذار در حکومت‌های دینی به یک عامل مهم دیگر بیش از عوامل مورد توجه سیاست‌گذاران کشورهای لائیک یا سکولار دقت کند و آنها را در سیاست‌گذاری مورد توجه قرار دهد و آن عامل مهم، دین و آموزه‌های دینی است. این یکی از ابتدایی‌ترین تفاوت‌های سیاست‌گذاری در جوامع دینی با جوامع غیر دینی است که سیاستگذار در محیط فرهنگی و اجتماعی این کشورها باید بدان توجه نماید.

در سطح کلان نیز درک هر نوع سیاستگذاری نیازمند توجه به ارزشها و تغییر در آنهاست و در سطوح مختلف تجزیه و تحلیل و در سراسر فرایند سیاستگذاری نیز می‌توان نقش ارزشها را مشاهده کرد و مدعی شد که سیاست‌های کلان اتخاذ شده در واقع انعکاسی از ارزش‌های گزینش شده است. (سلامی، ۱۳۸۵: ۲۱۷)

بدین‌سان که جامعه دینی چقدر با سیاست‌ها و طرح‌ها، اسباب و روش‌های اجرای آن همراه و موافق است؟ یا میزان پذیرش، انطباق و یا مخالفت مردم با سیاست‌ها به چه میزان است؟ و همچنین باید با لحاظ نمودن برخی قوانین و سنن که از دین نشأت گرفته‌اند تضاد و تقابل با آنها را از نظر دور نداشت. بنابراین سیاست‌هایی که مستلزم برخی تغییرات در ارزش‌ها می‌گردد و یا منطبق با اعتقادات دینی و فرهنگی جامعه نیست باید با احتیاط و دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد تا سیاست‌های اتخاذ شده در مراحل تدوین و اجرا مورد مخالفت نخبگان دینی و جامعه متدین قرار نگیرد. تفاوت در اینجا است که حکومت‌های سکولار فارغ از این حساسیت‌ها، به دلیل مرجع نبودن دین در سیاست‌گذاری، نیاز به توجه به این عامل مهم ندارند.

## ۲. عامل هدایت و تحدید سیاست‌ها و سیاست‌گذار

### ۱-۲. عامل هدایت سیاست‌ها و سیاست‌گذار

ارزش‌ها، معیارها یا ملاک‌هایی هستند که به وسیله آن مردم خوبی‌ها یا بدی‌ها، مطلوبیت یا نا مطلوبیت اهداف و اعمال را ارزیابی می‌کنند. آنها مانند اشکال و نشانه‌های کلی برای رفتار به کار گرفته می‌شوند. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۳۷)

دین می‌تواند با نشان دادن برخی معیارها و اصول ارزشی در هدایت سیاستگذار موثر باشد و نقش هدایتگر را در تدوین سیاست‌ها ایفا نماید. بر اساس نظریه انتخاب عقلایی محدود، سیاستگذار ناگزیر از شناخت این محیط است که از دین متأثر بوده و نقش آفرینی می‌نماید و باید بر عواملی که سبب تأثیر مثبت و یا منفی بر هدایت سیاست‌ها می‌گردد اشراف پیدا کند تا بتواند از انحراف سیاست‌ها و یا دور شدن آنها از هدف گذاری انجام شده جلوگیری نماید. سید جوادین در خصوص شکل‌گیری محیط و درهم آمیختگی آن با اعتقادات، معیارها و سنت‌ها که آن‌ها را در جهت دهی به روند و حرکت جامعه و هدایت آن موثر می‌داند، در ذیل تعریف این ارزش‌ها در کتاب «مبانی سازمان و مدیریت»، به نحوه کارکرد آن‌ها بدین گونه اشاره می‌نماید که: «به بیان ساده، ارزش‌ها، باورهای اساسی و پایداری است که از بطن اعتقادات، سنت‌ها و دیگر مراودات جامعه نشأت گرفته و با واقعیت‌های محیطی جامعه درهم آمیخته می‌شود و به صورت ضوابط و معیارهای اساسی، جهت‌گیری و روند حرکت جامعه را هدایت می‌نماید.» (سیدجوادین، ۱۳۹۶: ۲۹)

بنا به لزوم تصمیم‌گیری در محیط اطمینان بر اساس نظریه انتخاب عقلایی؛ هرچه اطلاعات سیاستگذاران در تدوین سیاست‌ها کامل‌تر باشد، غنا و کارایی سیاست‌ها افزایش یافته و سیاست‌گذاری در محیط اطمینان انجام می‌پذیرد.



در هر حال ارزش‌ها بر رفتار و عملکرد انسانها اثر گذارده، در جهت دادن به خط‌مشی‌ها موثر واقع می‌شوند. خنثی بودن خط‌مشی‌گذاران و کسانی که پشتوانه‌های اطلاعاتی و تخصصی آنها به شمار می‌آیند، از جهت ارزشی افسانه‌ای بیش نیست. در همه سطوح سازمانی و رده‌های حکومتی از فرد یا گروهی که امضاکننده و اعلام‌کننده خط‌مشی‌ها می‌باشد تا افرادی که تدارک‌کننده اطلاعات و ستادهای تخصصی به شمار می‌آیند، همگی به ارزش‌هایی پایبندند که این باورها و اعتقادات در تصمیم‌های گزینش‌ها و اقدامات‌شان، اثر می‌گذارد. (الوانی، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۴)

بنابراین شناخت دین، ارزش‌های دینی و هنجارهای جامعه که بخشی از جامعه و محیطی است که سیاست‌گذاری در بستر آن صورت می‌گیرد، در جهت‌دهی و هدایت سیاست‌گذاران در هنگام سیاست‌گزینی موثر است؛ زیرا سیاست‌گذار با شناخت این عوامل به عنوان بخشی از ویژگی‌های محیط سیاست‌گذاری و چگونگی تدوین سیاست‌های منطبق بر آن باید سیاست‌گذاری نماید تا از یک طرف با مخالفت جامعه روبرو نگردد و از سوی دیگر حمایت و پشتیبانی توده‌ها، از آن سیاست‌ها را جلب نماید. بدین سان تأثیر گذاری دین و ارزش‌های دینی در جهت‌دهی به سیاست‌ها و هدایت سیاست‌گذاران امری روشن و بدیهی است و در برخی از موارد این اثرگذاری در همه مراحل خط‌مشی‌گذاری حتی در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و مفروضات نیز دیده می‌شود. بدین معنی که ارزش‌هایی که انسانها بدان تمایل دارند حتی در جمع‌آوری اطلاعات و گزینش آنها که امروزه امری بسیار تخصصی و پیشرفته است نیز دخیل است و خنثی بودن و نداشتن تمایلات ارزشی دور از ذهن می‌نماید.

## ۲-۲. تحدید اهداف، سیاست‌ها، ابزار و روش‌ها

نظریه انتخاب عقلایی محدود، بر بررسی حداکثری محدودیت‌ها در سر راه تصمیم‌گیری تأکید می‌نماید زیرا بر رسیدن به یک تصمیم عقلانی و مطلوب بر اساس شرایط موجود نظر دارد. این امر در سطح اهداف سیاست‌های مورد نظر جامعه و حکومت دینی برقرار است، اما محدود به این سطح نیست، یعنی علاوه بر این که هدف باید مورد تأیید و منطبق بر دین، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی باشد، تا به حصول نتیجه مورد نظر نائل گردد؛ روش‌ها و ابزارهای اجرای سیاست‌ها نیز باید متناسب با روش‌ها و ابزارهای مورد تأیید و وثوق دین باشد، تا در رسیدن به هدف تعیین شده بیشترین میزان مطلوبیت کسب گردد. این محدودیت‌ها می‌تواند در قامت سیاست‌های تدوین شده عیان شود، زیرا هر سیاستی که در حکومت‌های دینی تدوین می‌شود، باید بر اساس اصول بنیادی دین صورت گیرد و در تضاد و مخالفت با آن نباشد. خنیفر و آقداغی این موضوع را در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی مفهومی سطوح تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی بر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی» بدین صورت نشان داده‌اند که، «در یک جمع‌بندی می‌توان گفت یک تصمیم اسلامی، تصمیمی است که هر سه رکن آن زیر چتر آموزه‌های اسلامی باشند؛ بدین معنا که در درجه اول، موقعیت تصمیم و خاستگاه مسئله اسلامی باشد؛ در مرتبه بعد راهکار و راه‌حل‌های



بالقوه برخاسته از عقل و شرع باشند و هم در ارزش‌گذاری و انتخاب راهکار، از نظام ارزشی اسلامی پیروی کنند. (خنیفر، آقداغی، ۱۳۹۴: ۵۸) بنابراین در نظر داشتن این ارزش‌ها سبب ایجاد محدودیت در تصمیم‌گیری می‌شود و سیاست‌گذار در مرحله راه‌حل‌گزینی در صدد انطباق سیاست‌های اتخاذ شده با آموزه‌های دینی در هر سه مرحله برمی‌آید.

ارزش‌ها و اولویت‌ها باعث می‌شود که خط‌مشی‌گذاران درباره ماهیت و دامنه مسئله بیاندیشند و وضعیت فعلی را مورد ارزیابی قرار دهند. این اولویت‌ها الهام بخش خط‌مشی‌گذاران بوده و مبین خط و سیری است که مسیر آینده دولت را نیز مشخص می‌کنند. در حقیقت، خط‌مشی‌گذاران کم و بیش از اصول یا عقاید اصلی آگاهی دارند و بر آن اساس، قضاوت‌های بعدی خود را شکل می‌دهند. (طاهری، بهلولی، سرمست، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۲۵)

بدین سان، علاوه بر هدف سیاست‌ها، ابزارها و روش‌های اجرای سیاست‌ها نیز باید مورد تایید دین و مذهب باشد، بدین معنی که تحقق امری که از لحاظ دینی و شرعی درست و مطلوب است به وسیله ابزارهایی که مورد تایید دین نیست، پذیرفته نخواهد بود؛ در واقع در دین، تحقق امر خیر به وسیله و اسباب شر مردود دانسته شده است. در نتیجه هدف‌گذاری، خط سیر سیاست‌ها و ابزارها و روش‌های سیاست‌گذاری در همه مراحل باید بر اساس دین و آموزه‌های دینی باشد تا سیاست‌گذاری قرین موفقیت گردد. اجرای سیاستی مخالف دین و فرهنگ دینی جامعه با موفقیت همراه نبوده و در جامعه ایجاد چالش می‌کند و علاوه بر اینکه اجرای سیاست تدوین شده مشکلی را حل نمی‌نماید بلکه خود به معضل و چالش دیگر می‌افزاید.

## ۲-۳. تحدید مخاطبین سیاست و جمعیت هدف

برخی از اقلیت‌های دینی و مذهبی در مقابل سیاست‌های تدوین شده با صبغه دینی مقاومت کرده و آنرا نمی‌پذیرند. ممکن است این سیاست‌ها با آموزه‌های دینی آنان در تضاد باشد و یا سیاست‌ها به گونه‌ای اتخاذ شده باشد که اقلیت‌های دینی دیگر را شامل نشود. این از آسیب‌های سیاست‌هایی است که بر اساس دین و مذهب انتخاب می‌شود و از آن گریزی نیست. در این موارد در واقع، مخاطبین یک سیاست توسط دین و مذهب رسمی یک کشور تحدید می‌شود. بر اساس نظریه انتخاب عقلایی محدود، سیاست‌گذار مجبور می‌گردد برای افرادی که از دایره انتفاع این سیاست‌ها کنار گذاشته شده‌اند، سیاست‌های جایگزین و یا حمایتی مطابق با علائق و سلائق آنان در نظر بگیرد تا افراد خارج از دایره انتفاع سیاست‌ها نیز از سیاست‌های جبرانی بهره‌مند گردند. بدین سان دین، سبب محدودیت در رویکردی در سیاست‌گذاری می‌گردد که به آن ملاک «دسترسی» به یک سیاست اطلاق می‌شود. دین ملاک دسترسی به یک سیاست را برای اقلیت‌ها محدود می‌نماید و آنان را استثنا می‌کند.

نیاز به بیان نیست که این موضع - میزان دسترسی به یک سیاست - به شماری از زمینه‌های مربوط به ماهیت دین، ماهیت دانش و ماهیت فرایندهای قانون‌گذاری بستگی دارد. برای مثال این فرض را می‌گیرد که دانش

مبتنی بر مذهب توسط برخی از افراد از نظر شخصی، برای دیگران غیر قابل دسترسی است، شاید از آنجا که درک دینی ممکن است شامل فعالیت‌هایی مانند ایمان به امر متعالی، دعاها یا ارتباط با خدا یا وحی باشد. به همین ترتیب، یک استدلال سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر مذهب ممکن است ملاک «دسترسی» را تأمین نکند، تا آنجا که ذاتاً سیاست‌ها را مجذوب و شامل حال کسانی می‌کند که پیش‌فرض‌های مشترک مذهبی دارند، در حالی که به طور همزمان افرادی را که در برخی از اصول مذهبی مشترک نیستند، مستثنی می‌کند. (Idleman, 1993:443-444)

بدین ترتیب سیاست‌گذار باید با توجه قرار دادن ملاک دسترسی به سیاست‌های اتخاذ شده افراد و گروه‌هایی را که از دایره مخاطبان سیاست بیرون‌اند را نیز در نظر بگیرد و برای آنان نیز سیاست‌های جایگزین و جبرانی تدوین نماید.

#### ۲-۴. مخالفت و عدم پذیرش برخی سیاست‌های جهانی سازی

در فرایند «جهانی شدن» و در سطح سیاست‌گذاری بین‌المللی دستور کار جهان رواج آزادی اقتصادی و دموکراسی است و ارزش‌های حاکم بر سیاست‌گذاری‌ها متأثر از فرایند ارزشی جهانی است و در سطح ملی این امر در دستور کار جوامع پیشرفته صنعتی جهان قرار گرفته است و برای کشورهای در حال توسعه که در فرایند مذکور به چالش کشیده شده‌اند و بر استقلال و حفظ هویت ملی خود اصرار می‌ورزند، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها، دل‌مشغولی‌ها و مشکلات جهانی شدن است که الزاماً می‌بایست در سیاست فرهنگی مورد ملاحظه قرار گیرد. (سلامی، ۱۳۸۵: ۲۲۲)

کشورهای جهان سوم، در مسیر توسعه خود با برخی سیاست‌هایی که بر اساس فرایند جهانی شدن، به دلخواه و داوطلبانه و یا بر اساس تعهداتی تحمیلی از سوی نهادهای بین‌المللی است، مواجه می‌شوند. نظریه انتخاب عقلایی محدود، برای اجرای سیاست‌های تدوین شده و یا وارداتی، به وجود شرایط لازم و وجود استانداردهای مورد نیاز برای اجرای سیاست‌ها در کشور پذیرنده، اشاره دارد. این امر حتی در انتخاب کشور صادر کننده یک سیاست با کشور وارد کننده از لحاظ مشابهت‌های فرهنگی و دینی موثر است. یقیناً درس‌گیری از یک کشور هم‌کیش بسیار راحت‌تر و بیشتر مورد نظر سیاست‌گذاران است. بدین جهت این سیاست‌های وارداتی، اگر با سنت‌ها و فرهنگ این جوامع خصوصاً عامل «دین» در تضاد باشد؛ مورد مخالفت مردم و نخبگان دینی قرار می‌گیرد و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و سبب بروز مقاومت در برابر اجرای این سیاست‌ها می‌گردد. بنابراین باید این سیاست‌ها را حداقل امکان بر اساس محیط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این جوامع جرح و تعدیل نمود تا مورد پذیرش واقع شوند.

## ۳. وزن دهنده و مشروعیت بخش به سیاست‌ها

دین و آموزه دینی صرفاً به عنوان محدودیت در مسیر سیاست‌گذاری ظاهر نمی‌گردد، بلکه همان گونه که می‌تواند به هدایت سیاست‌ها پردازد و نقش ارشادی داشته باشد می‌توان از آن به عنوان عامل وزن دهی به سیاست استفاده نمود. صبغه دینی یک طرح یا سیاست می‌تواند در جلب مشارکت عامه جامعه و پذیرش و موفقیت آن، موثر باشد. هر چه میزان مشارکت و استقبال عامه مردم و جامعه از یک سیاست بیشتر باشد می‌تواند حمایت بیشتری را کسب نماید و موفقیت آن خصوصاً در مرحله اجرا، افزایش یابد، لذا دین و مذهب می‌تواند در وزن دهی به سیاست‌ها نقش قابل توجهی ایفا نماید. در دولت‌های مختلف معمولاً رفت و آمد وزرا و برخی روسای دولت‌ها در کشور جهت دیدار با مراجع تقلید در قم در آستانه یک سیاست عمومی و طرح بزرگ مشاهده گردیده است، که می‌توان از آنها به عنوان وزن دهی به سیاست‌ها؛ مصادره به مطلوب نمود. انعکاس حمایت علما و مراجع دینی از برخی سیاست‌ها می‌تواند در کاهش مخالفت‌ها با یک سیاست و نیز افزایش حمایت‌ها از آن تأثیر بسزایی داشته باشد. این امر می‌تواند علاوه بر جامعه در ساختارها و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز نمود یافته و با توجه به وجود دین به عنوان عامل پیوستگی آنها در گام نهادن در مسیر مشترک به هم افزایی در نیل به اهداف مورد نظر سیاست‌ها بیانجامد. لازم به ذکر است که بسیاری از این گروه‌ها و نهادها مانند بازار، روحانیون و قشر سنتی متدین در جلب حمایت از سیاست‌های مورد نظر نظام سیاسی مورد حمایت خود چه قبل از انقلاب و چه پس از آن تأثیر گذار بوده‌اند. پورسعید در مقاله خود با عنوان «مطالعات پایه، ساختار و روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به این موضوع بدین‌گونه صحنه نهاده است که: «گروه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی ای در جمهوری اسلامی وجود دارند که در اعمال سیاست‌های متخذه، ارگان‌های رسمی، ذی نفوذ بوده و عکس‌العمل نشان می‌دهند. از جمله، می‌توان از بیوت آیات عظام، ائمه‌جمعه، مجمع روحانیون مبارز، جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بازار، انجمن‌های اسلامی و نهادهای انقلابی و مطبوعات نام برد. این گروه‌ها، در زمینه سیاست خارجی، به ویژه در زمان دولت موقت و حاکمیت لیبرال‌ها، به خاطر اختلافاتی که در نحوه اعمال سیاست خارجی وجود داشت، اغلب عکس‌العمل‌های شدید و جدی نشان داده و بر روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی تأثیر می‌گذاشتند، ولی پس از عزل بنی‌صدر و تفاهم و یکپارچگی ای که به خاطر تحقق حاکمیت خط‌اما و اعمال سیاست نه شرقی، نه غربی به وجود آمد، کمتر مشاهده شده، در این زمینه، نظرات متفاوتی داشته باشند.» (پورسعید، ۱۳۸۷: ۳۲۰)

## ۴. موضع دین در برابر سیاست‌ها

دین و ارزش‌های دینی در قبال سیاست‌ها به موضع‌گیری‌های می‌پردازند که می‌تواند از حمایت کامل تا مخالفت و رد یک سیاست را در بر بگیرد. این مواضع اثراتی را در زمینه اتخاذ و اجرای سیاست‌ها بر جای می‌گذارد که هم می‌تواند مثبت و سازنده باشد و هم منفی و غیر سازنده که در این میان به آن‌ها پرداخته می‌شود.

## ۴-۱. موثر در جلب مشارکت و انسجام

در قرآن کریم آمده است «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُ مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۳</sup> به این معنا خداوند احوال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند، حتی اقامه قسط و عدل در جامعه که یکی از اهداف اصلی انبیا به شمار می‌رود، به عهده مردم گذاشته شده است. بر اساس تعالیم دینی حضور و اراده مردم در تعیین سرنوشت خود نقش به‌سزایی دارد. به عبارت دیگر، یکی از اصلی‌ترین مولفه‌هایی که مشارکت سیاسی را ارتقا می‌دهد دین و تعالیم دینی است. بر این مبنا، دین از مولفه‌های اصلی و موتور محرکه جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه است. تأثیر دین در گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ به ویژه در اسلام انکارناپذیر است. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۵)

انطباق سیاست‌ها با ارزش‌ها و معیارهای دینی و کسب مشروعیت‌های لازم می‌تواند جلب مشارکت آحاد جامعه را به همراه داشته باشد و در کسب حمایت جامعه از سیاست‌ها نیز موثر باشد. در این خصوص مبتنی بر نظریه انتخاب عقلایی، هر چه میزان مشارکت و حمایت جامعه از یک سیاست بیشتر باشد موفقیت آن سیاست در حصول به نتیجه بیشتر است. علاوه بر آن مشارکت بیشتر شهروندان نشان از انتخاب عقلایی آنان است که موافق دین و ارزش‌های دینی بوده و مشروعیت دینی نیز دارد. همان‌طور که به تأثیر مثبت مشارکت و رسیدن به انسجام در خصوص اجرای یک طرح و سیاست اشاره شد؛ این تأثیر مثبت با وجود ارزش‌های دین و مذهبی افزایش خواهد یافت. دین در افزایش این مشارکت و رسیدن به وحدت و انسجام فکری، برای حمایت از یک سیاست و تصمیم‌گیری تأثیر مثبت و غیر قابل انکاری دارد.

از منظر فرهنگی و سیاسی در جوامعی که نظام ارزشی - اجتماعی آنان آمیختگی تنگاتنگی با آموزه‌های دینی داشته باشد و دخالت در سیاست را از وظایف فردی و اجتماعی بدانند؛ شهروندان انگیزه بیشتر و جدی‌تری در قبال تحولات سیاسی داشته و بر ارتقای کمی و کیفی مشارکت سیاسی آنان موثر است. موضوع مشارکت و حضور در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی در متون دینی به ویژه در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. در حکومت دینی، مردم علاوه بر حضور فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، مشارکت در تاسیس حکومت اسلامی و نصب

۳. سوره رعد آیه ۱۱

کارگزاران دینی، رفتار آنها را زیر نظر دارند و حتی مشارکت در این زمینه ضروری است؛ زیرا اعمال یا عدم اعمال مشارکت سیاسی به طور کلی، بازتاب اقبال یا اعراض مردم نسبت به نظام سیاسی است که از حق مشارکت سیاسی مردم نشئت می‌گیرد. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۱-۲۲۰)

#### ۲-۴. برانگیزنده حساسیت نسبت به یک سیاست

دین می‌تواند به بسیج جامعه و مردم بر علیه یک سیاست و طرح که می‌تواند به اذهان عمومی، انگاره مخالفت با دین و ارزشهای مذهبی را متبادر می‌سازد، نیز اشاره کرد. جامعه دینی در برابر برخی سیاست‌گزینی‌ها که برانگیزنده حساسیت‌های مذهبی هستند واکنش نشان می‌دهند و در مقابل پذیرش آن مقاومت می‌کنند و آن را بر نمی‌تابند و حتی در برخی موارد تاریخی، شاهد سقوط برخی حکومت‌ها به دلیل اتخاذ تصمیم‌هایی برخلاف عقاید مذهبی جامعه بوده‌ایم. برای مثال می‌توان به سقوط «حبیب بورقبیه» در تونس اشاره نمود. حبیب بورقبیه اولین رئیس جمهور تونس پس از کسب استقلال بود که در جهت توسعه کشور، در ماه رمضان، لزوم کار بیشتر برای نیل به اهداف توسعه را بر روزه گرفتن که امری دینی بود دارای اولویت دانست و با نوشیدن یک فنجان چای به روزه‌خواری تظاهر نمود و همین امر سبب ایجاد مخالفت‌ها با او و سیاست‌های توسعه‌ای گردید.

#### ۳-۴. رسیدن به فهم مشترک در درک مشکل و لزوم ورود آن به دستور کار

با توجه به اشاره ای که به تأثیر دین در رسیدن به انسجام در مورد یک سیاست و یا تصمیم و نیز مشارکت در آنها، گردید، این نگاه واحد می‌تواند در تشخیص و درک یک مشکل که نیازمند توجه سیاست‌مداران است، کمک کننده باشد.

هرگاه در مجموعه خط‌مشی‌گذاری، ارزش‌های یکسانی حاکمیت داشته باشد خط‌مشی‌گذاری با سهولت انجام می‌پذیرد و زمانی که تضاد ارزشی بین اجزای یک مجموعه موجب می‌شود، مسئله خط‌مشی‌گذاری دستخوش مشکلات و موانع بسیار گردد. (الوانی، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

عموماً وقتی چیزی را به عنوان یک مشکل اجتماعی در نظر می‌گیریم که با ارزش‌های فرهنگی که می‌گویند چه چیزی در یک جامعه خوب، مهم و پسندیده و یا بالعکس است، در تعارض باشد یا به آن تجاوز کند. البته این به تنهایی برای تعریف مشکل اجتماعی کافی نیست؛ بلکه خود تنها یک فراگرد اجتماعی است که در آن، مانند هر جای دیگری، برخی گروه‌ها نسبت به سایرین، کنترل بیشتری بر این فراگرد دارند و تعریف مشکل اجتماعی غالباً در علایق و گرایش‌های این گروه‌های غالب نهفته است. (محسنیان راد، شاکری، ۱۳۹۳: ۲۲)

اشتراک نظر و عقیده در درک مشکل و لزوم ورود آن به دستور کار، از الزامات رسیدگی به مشکل در مرحله اول از چرخه سیاست‌گذاری است. در این مورد «مجید وحید» یکی از مراحل اولیه از چرخه سیاست‌گذاری را

که به شناخت مشکل معروف است را «ادراک» می‌داند که در آن هم برداشت‌های مبتنی بر نظام ارزشی را دخیل می‌داند.

ادراک؛ در ارتباط با تمام مسائل زندگی اعم از خصوصی و اجتماعی مبنای شناخت و تعریف است. اما افراد به یک گونه پدیده‌ها یا وقایع را مورد ادراک قرار نمی‌دهند. بدین ترتیب در مقابل پدیده‌ها یا وقایع یکسان معمولاً ما با برداشت‌های متفاوتی مواجه می‌باشیم. این برداشت‌ها مبتنی بر نظام ارزشی و باوری افراد یک اجتماع می‌باشد و همین نظام ارزشی و باوری است که برخی پدیده‌ها یا وقایع را منبع مشکل جلوه می‌دهد و برخی را خیر و نیز به مشکل جلوه‌های گوناگون می‌دهد. (وحید، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۷)

از سویی دیگر، به هر میزان این اشتراک در برداشت‌ها و باورهای مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی کمتر باشد، آسیب‌هایی را برای شناخت مشکل و متعاقباً ورود آن برای راه‌حل‌گزینی به دستور کار سیاست‌گذاری به همراه خواهد داشت و حتی در رسیدن به انسجام در مورد «مسئله بودگی» یک موضوع نیز تأثیر گذار خواهد بود. مسئله بودگی به این موضوع اشاره دارد که آیا یک مشکل و مسئله به حدی رسیده است که به عنوان مشکل قابل طرح برای رسیدگی توسط دولت و سیاست گذار مورد رسیدگی قرار گیرد یا خیر؟

هراندازه توافق در خصوص تعریف یک مشکل بیشتر باشد و حوزه مشکل گسترده‌تر معرفی گردد، امکان قرار گرفتن مشکل در دستور کار و بررسی جدی آن بیشتر می‌شود و عدم اهتمام به آن تصمیم‌گیر را در شرایط سیاسی نامناسبی قرار می‌دهد. (وحید، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۲)

باید به این نکته مهم اشاره نمود که در جوامع دینی، در شناخت و درک یک مشکل یا مساله بودگی یک امر اجتماعی، دین نیز می‌تواند خود آدرس دهنده وجود مشکلات باشد. یعنی در جوامع اموری هستند که در شرایط عادی در جامعه به عنوان مشکل و مساله به آن نگریسته نمی‌شود، اما دین و آموزه‌های دینی آن را به عنوان یک مشکل معرفی می‌نماید. در این موضوع می‌توانیم به تضاد در نگرش به مشکل را شاهد باشیم که یکی از دلایل آن می‌تواند فاصله گرفتن جامعه از ارزش‌های دینی و یا کمرنگ شدن آن باشد.

جهان‌بینی‌ها و ایده‌های مسلط و تجربیات تاریخی و همچنین بررسی مسائل و مشکلات، ساختار ذهنی سیاست‌گذاران را شکل می‌دهد. این ساختار شامل هنجارها و ارزش‌هایی است که قواعد کلی حاکم بر تصمیم‌گیری را تعیین می‌کند. همچنین نوع برداشت و تفسیر سیاست‌گذاران از آرمان‌ها و ارزش‌هاست که اهمیت پیدا می‌کند. البته ممکن است ارزش‌ها و مبانی به صورت صریح بیان نشود، کما اینکه بیشتر دیدیم سیاست‌گذاری می‌تواند با مسئله آغاز شود. اما در هر حال، شناخت و بیان هر مسئله‌ای هم مسبوق به مبانی و ارزش‌های خاصی است که آن مسئله را مسئله کرده است. (آزاد ارمکی، منوری، ۱۳۸۹: ۶۷)

## ۵. دین و سیاست‌های تقنینی

## ۵-۱. تحدید قانونگذار و سنجش قوانین توسط قانون اساسی

اصل برتری قانون اساسی ایجاب می‌کند که کلیه قوانین مصوب یک کشور با آن منطبق باشد یعنی در معنی و مفهوم چیزی خلاف اصول قانون اساسی در بر نداشته باشد. چرا که اگر امکان می‌داشت، قوانین عادی، قانون اساسی را نقض کنند، اولاً اصل سلسله مراتب قوانین و برتری قانون اساسی زیر پا نهاده می‌شد و ثانیاً این دو گونه قانون عملاً در یک سطح واقع می‌شد و تصویب قانون عادی خلاف قانون اساسی آن را در معرض تغییر و دگرگونی قرار می‌داد و حقوق اساسی افراد را دستخوش نوسانات مضر می‌کرد و اصل ثبات و تداوم ساختار سیاسی کشور که در هنگام معینی با تشریفات ویژه توسط قانون اساسی برقرار شده است بدین وسیله متزلزل می‌گشت. (قاضی، ۱۳۸۷: ۵۰)

گاهی سیاست‌گذار برای رفع یک مشکل، نیاز به تبدیل یک سیاست به قانون و در واقع سیاست‌گذاری تقنینی دارد تا برای آن ضمانت اجرایی و نیز منابعی برای اجرا فراهم نماید. در این موارد برای قانون‌گذاری، ملحوظ نمودن ارزش‌های دینی به دلیل وجود پررنگ دین و آموزه‌های آن در قانون اساسی، ضرورت می‌یابد. لذا سیاست‌گذار باید در تدوین سیاست‌ها به محدودیت‌هایی که توسط قانون اساسی به سیاست‌ها به عنوان قانون بالادستی، تحمیل می‌نماید توجه ویژه داشته باشد. در واقع قانون اساسی سبب تحدید سیاست‌ها، راه‌حل‌ها و گزینه‌های پیش پای سیاست‌گذار می‌گردد. عدم رعایت این امر مهم سبب بروز مشکلاتی چند در روند سیاست‌گذاری می‌شود و بررسی انطباق قوانین توسط نهادهای مختلف دیگر مانند شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت صورت می‌گیرد. این امر علاوه بر همه مشکلاتی که دارد سبب طولانی‌تر شدن روند سیاست‌گذاری تقنینی می‌گردد؛ که زمان در نظریه انتخاب عقلایی بسیار مهم بوده و در برخی مواقع سیاست‌های تبیین شده برای مشکل درک شده بی‌فایده می‌گردند و از حیز انتفاع خارج می‌شوند زیرا به موقع بودگی خود را از دست می‌دهند، حتی اگر سیاست‌های درستی باشند.

## ۵-۲. رقیق‌کننده سیاست‌ها و طولانی شدن روند قانون‌گذاری

مستندات نشان دهنده وجود برخی ناهماهنگی‌ها در فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌باشد. تعدد در مراکز تصمیم‌گیری موجب گردیده تا مشکلاتی بشرح زیر بوجود آید: طولانی شدن فرآیند [تصویب]؛ رفت و برگشت‌های غیر ضروری در میان عناصر موجود در ساختار؛ بروز تعارض در فرآیند و مسکوت ماندن برخی از لوایح و طرح‌ها؛ رفت و برگشت‌های غیر ضروری در میان عناصر موجود در ساختار؛ بروز تعارض در فرآیند و مسکوت ماندن برخی از لوایح و طرح‌ها. (الوانی، صرافی زاده، ۱۳۸۰: ۱۳۶)



در کشور ایران به دلیل وجود مراکز متعدد دست‌اندرکار در قانون‌گذاری، تصویب و تطبیق قوانین با قانون اساسی، مانند مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی و نیز مجمع تشخیص ملحت نظام؛ سبب طولانی شدن روند قانون‌گذاری و سیاست‌گزینی می‌شود و از سویی باعث رقیق شدن سیاست‌ها که لباس قانون پوشیده‌اند، در روندهای رفت و برگشت بین نهادهای ذکر شده و جرح و تعدیل و تغییر برخی از بندهای قوانین می‌گردد. لازم به ذکر است که شورای نگهبان از ۱۲ عضو مشتمل بر شش نفر حقوقدان و شش نفر فقیه است که شش نفر فقیه وظیفه انطباق قوانین تصویب شده در مجلس با منابع فقهی و دینی را بر عهده دارند.

برخی رفت و برگشت‌ها میان مجلس و شورای نگهبان، یا وجود برخی اختلافات میان دولت و مجلس که سبب به نتیجه نرسیدن کمیسیون‌های مشترک یا تعدد جلسات هماهنگی خواهد شد و گاه اختلافات درون مجلس که سبب ارجاع سیاست‌ها به کمیسیون و افزایش درخور توجه در زمان بررسی طرح و لایحه می‌شود. گاه نیز وجود برخی قوانین و مقررات و فرایندها یا ساختارهای خاص سبب افزایش ناگزیر زمان خواهد شد. گاه نیز روند بررسی یک لایحه چنان طولانی می‌شود که دولت در این میان تغییر می‌کند و زمانی مصوب می‌شود که دولت جدید آن را در اولویت قرار نمی‌دهد و قانون جدید فرصت تثبیت نیافته، فرصت اجرایی شدن را از دست می‌دهد. بنابراین طولانی شدن فرآیند تصویب طرح و لایحه می‌تواند پیامدهای نامناسبی را برای اجرایی شدن قوانین حاصله به دنبال داشته باشد. (باقری، تاج، غفاری، ۱۳۹۶: ۳-۴)

#### ۶. نقش آفرینی نخبگان دینی بعنوان گروه ذی نفوذ

اهمیت و نقش ایدئولوژی‌گرایی در ساختار سیاسی ایران در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که روحانیت به عنوان نماد دین به عنوان مرکزیت قدرت سیاسی تلقی می‌شود. در چنین شرایطی است که جایگاه و اقتدار روحانیون از طریق نهادهای انقلابی تثبیت می‌شود. روند جایگزینی نخبگان نیز بر اساس نقش سیاسی در ساختار سیاسی ایران به وجود آمد. (مصلی نژاد، ۱۳۹۸: ۳۱۳)

روحانیون همواره در ادیان مختلف به نفوذ در حکومت‌ها برای اثرگذاری در تصمیم‌گیری‌ها مبادرت ورزیدند و بعنوان گروه ذینفوذ از اجرای برخی سیاست‌ها ممانعت به عمل آوردند و یا اجرای آنها را خواستار شدند، این امر نسبت به میزان نفوذ دین در ساختارهای رسمی و غیر رسمی جوامع و حکومت‌ها متغیر است.

هر چه داعیه‌های سیاسی و اجتماعی مذهب بیشتر باشد، احتمال اثرگذاری روحانیون در زندگی سیاسی بیشتر می‌شود. بی‌تردید همه مذاهب نسبت به تنظیم امور اجتماعی و سیاسی کم و بیش ادعاهایی داشته‌اند زیرا هر مذهبی قطع نظر از وظیفه تأمین وسایل رستگاری برای مومنان می‌بایست به تنظیم حوزه زندگی مادی آنها نیز بپردازد. با این حال برخی مذاهب بیش از مذاهب دیگر داعیه امور دنیوی و سیاسی داشته‌اند. در واقع روحانیون اغلب همواره به عنوان یک گروه ذی نفوذ عمده در نظام‌های سنتی همانند نظام سیاسی ایران عمل کرده‌اند. میان

حکام و روحانیون در همه نظام‌های سنتی کم و بیش توافق و سازش وجود داشته است. حکام سنتی می‌بایست به مذهب و سنن احترام بگذارند، زیرا در غیر این صورت با اعتراض پاسداران سنت و مذهب به ویژه روحانیون مواجه می‌شدند. (طباطبایی، جعفرزادگان، ۱۳۹۷: ۱۳۱-۱۳۰)

#### ۷. تأثیر آموزه‌های دینی بطور ناخودآگاه

در یافته‌های تحقیقی، فیپ (۲۰۱۲) استدلال کرده است که دین نقش مسلطی در رهبری ایفا می‌کند و استناد می‌کند که رهبران تمایل دارند عقاید مذهبی خود را در سبک‌های رهبری خود تحمیل نمایند. از آنجا که عقاید شخصی تا حد زیادی به واسطه دین شکل می‌گیرد، رهبران تمایل دارند عقاید خود را در خلال رهبری خود بروز دهند. (Gaitho, 2019: 9-10)

باید اذعان نمود که اثرگذاری عقاید شکل گرفته شده از دین و ارزش‌های دینی، در بسیاری مواقع به طور خودآگاه و دانسته صورت نمی‌گیرد تا سیاستگذار با شناخت آن، از آسیب‌های آن ممانعت نماید، بلکه به گونه‌ای ناخواسته و ناخودآگاه نیز می‌تواند اثرگذار باشد این موضوع بیشتر در زمانی صدق می‌نماید که تصمیم‌گیری متمرکز است و توسط مدیران و سیاستگذاران به تنهایی صورت می‌گیرد. وجود ساختارهای دینی و مذهبی و تصمیم‌گیری در چارچوب جوامع دینی میزان دخالت عقاید مذهبی سیاست‌گذار، به صورت ناخودآگاه را به طرز چشمگیری، افزایش می‌دهد.

تأثیرگذاری آموزه‌های دینی همواره به خواست تصمیم‌گیرنده و به صورت آگاهانه رخ نمی‌دهد، بلکه در بسیاری مواقع مانند اثرگذاری بینش‌های فرد بر رفتار او، امری ناخودآگاه است. (خنیفر، آقداغی، ۱۳۹۴: ۵۵)

تأثیر آموزه‌های دینی به طور ناخودآگاه، در سیاست‌گذاری توسط سیاست‌گذاران و مدیران، موجب غلبه این ارزش‌های درونی شده توسط سیاست‌گذار، بر امور عینی و واقعی می‌شود. یعنی ایستارها و عقاید مذهبی او بر اطلاعات و مفروضات ترجیح داده می‌شود و اندکی کار سیاست‌گزینی را بغرنج می‌کند. این تقیصه سبب می‌گردد تا سیاست‌گذار بر اساس تمایلات دینی و مذهبی خود به طور ناخودآگاه و جانبدارانه، از اطلاعات و مفروضات بدست آمده که یکی از مهم‌ترین عناصر مورد توجه نظریه انتخاب عقلانی محدود است، به نفع این ارزش‌ها چشم‌پوشی نماید و از غنای سیاست‌ها به طور چشم‌گیری کاسته گردد. البته این امر فقط در مورد دین و آموزه‌های دینی نیست؛ بلکه عوامل دیگری چون قومیت، ملیت و یا وجود روابط خانوادگی یا جناحی نیز می‌تواند به همین اندازه تأثیر مخرب و منفی برجای گذارد.

همچنین در برخی مواقع اطلاعات به دست آمده در مغایرت با خط فکری ایدئولوژیک یا سیاسی تصمیم‌گیر قرار می‌گیرد. در این صورت برای کاهش تنش میان ارزش‌های ذهنی و اطلاعات عینی، تصمیم‌گیر ترجیح می‌دهد از اطلاعات صرف نظر کرده و نگاه ارزشی خود را که بر اساس تجربیات گذشته، سنت‌ها، آموزش و... به دست

آورده است حفظ کند. بدین ترتیب، تصمیم‌گیر برای انتخاب میزان محدودی از اطلاعات را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد و در عمل تعداد محدودی راه‌حل را بررسی می‌کند. (وحید، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

#### ۸. توجیه عملکردها و عدم پاسخگویی به واسطه دینداری

رهبران و سیاست‌گذاران در جوامع دینی، می‌توانند از دین و ارزش‌های دینی سوء استفاده‌هایی در جهت توجیه عملکردها، شکست‌ها، فساد مالی و اداری، ترمیم شخصیت خود و فرار از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری انجام دهند. پیتز آر. گایتو در خوانشی انتقادی از تأثیر دین بر نقش و روش رهبران در کشور کنیا، مدعی گردیده است که این رهبران در صدد توجیه شکست‌ها و فسادهای خود در انجام وظایف شان برمی‌آیند و بارها از این روش‌ها استفاده می‌کنند.

در جبهه رهبران سیاسی کنیا، آنان تمایل دارند با استفاده از دین، از مسولیت فردی و جمعی احتراز نمایند. سیاستمداران خواهان ارجاع شکست خود در انجام وظایفشان به خداوند هستند. «این اراده خداست»، «با کمک خداوند پیروز خواهیم شد»؛ شانه خالی کردن‌های متداولی است که بوسیله رهبران سیاسی کنیا در بحران‌هایی نظیر ارائه خدمات ضعیف و مشکلاتی مانند حملات تروریستی استفاده می‌شود. رهبران سیاسی در کنیا، سوء استفاده از عقاید مذهبی را در پوشاندن اعمال و رفتار غیر اخلاقی خود کامل کردند. وقتی گرفتار رسوایی فساد مالی می‌شوند، در پشت دین پنهان می‌شوند و ادعا می‌کنند که ثروت آنان نعمتی از جانب خدا است. رهبران سیاسی همچنین از نهادهای مذهبی از جمله کلیسا و روحانیون برای مشروعیت بخشیدن به کسب ثروت نامشروع خود با رفتن به کلیسا و ژست خدمت به خداوند، همانند مردان و زنان خداترس نشان می‌دهند. رهبران سیاسی همچنین از احساسات و تأثیرات مذهبی میان شهروندان برای پاک نمودن تصورات آنها بوسیله اعانه دادن برای توسعه کلیسا استفاده می‌کنند. (Gaitho, 2019: 10)

#### نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی تأثیر دین و ارزش‌های دینی بر سیاست‌گذاری در بستر جوامع دینی و حکومت‌های دینی پرداخته شد. می‌توان از دستاوردهای این پژوهش به این امر اشاره نمود که، عامل دین و ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری عمومی، در کشورهای با حکومت و جامعه دینی تأثیر بسیار واضح و بدیهی دارد و باید به آن توجه جدی گردد. سیاست‌گذاران جوامع دینی، ناگزیر به سیاست‌گذاری در این بستر هستند و باید این عامل مهم و تأثیر و نقش آن را بررسی، تحلیل و لحاظ نمایند تا از آسیب‌های عدم توجه به آن مصون مانده یا آن را به حداقل کاهش دهند. مشخص گردید که نه تنها دین در سیاست‌گذاری در جوامع و حکومت‌های دینی دارای تأثیر مستقیم و غیر قابل انکاری است؛ بلکه در حکومت‌های غیر دینی نیز از طریق گرایش‌ها و تمایلات سیاست‌گذاران به طور ناخودآگاه و غیر مستقیم تأثیر گذار است. سیاست‌گذاران در این بستر، بر اساس نظریه

انتخاب عقلایی باید با در نظر گرفتن همه عوامل دخیل در سیاست‌گذاری در جامعه به تصمیم‌گیری بپردازند، لذا، باید برخلاف کشورهای سکولار و لائیک، به یک عامل بیشتر که جز فرهنگ و اجتماع است نیز توجه نمایند و آن را مد نظر داشته باشند. یکی دیگر از عناصر نظریه انتخاب عقلایی شناخت محدودیت‌ها و موانع موجود بر سر راه تصمیمات سیاسی است که باید به دقت شناسایی گردد و از این محدودیت‌ها و موانع احتراز گردد. بر همین اساس، دین و آموزه‌های دینی می‌تواند در نقش هدایت‌کننده سیاست‌ها و سیاست‌گذار و یا محدود‌کننده این دو ظاهر شود و از سویی هدف‌گذاری، روش‌ها و ابزارهای رسیدن به اهداف را محدود نماید. دین و آموزه‌های آن، اگر در قامت سنت و فرهنگ یک جامعه ظاهر شود، به مثابه ساختار و یا زیرساخت فرهنگی عمل می‌نماید و از آنجایی که برای وارد نمودن یک سیاست به وجود زیرساخت‌های مربوط به آن، نیاز است، دین می‌تواند به عنوان یک ساختار فرهنگی در پذیرش و رد آن توسط جامعه دخیل و موثر باشد. این قضیه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل مغایرت و تضاد فرهنگی و ارزشی سیاست‌های وارداتی، با سنت و فرهنگ دینی جامعه، به کرات مشاهده گردیده است. همچنین سیاست‌گذاران از این عامل مهم در جهت وزن دهی و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها، بهره‌برداری می‌نمایند؛ از سویی یکی از موضوعات مهم مورد بررسی نظریه انتخاب عقلایی، مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌های جمعی سیاسی و اجتماعی است، این موضوع روشن می‌سازد که، توجه به عامل دین و ارزش‌های دینی سبب پذیرش سیاست‌ها و بالطبع افزایش مشارکت جامعه می‌شود و میزان حمایت و اجرای یک طرح و سیاست را افزایش می‌دهد. دین به عنوان یک نگرش جمعی و مشترک، می‌تواند در شناخت و درک مشکل و لزوم اقدام از سوی دولت و سیاست‌گذاران نیز موثر باشد و به بسیج اجتماعی بیانجامد. وقتی که طرح و سیاستی جنبه دینی داشته باشد، می‌تواند در جلب مشارکت جامعه مفید و مثبت واقع شود. علی‌الرغم همه این تأثیرات مثبت؛ دین می‌تواند در سیاست‌گذاری آسیب‌هایی را نیز به همراه داشته باشد که لازم است سیاست‌گذاران، با در نظر گرفتن آن در ابتدای امر، از این آسیب‌ها دوری نمایند. به عنوان مصادیقی از این آسیب‌ها می‌توان به زمان طولانی شدن سیاست‌گزینی در سیاست‌های تقنینی و یا رقیق شدن سیاست‌ها در فرایندهای قانون‌گذاری اشاره نمود. دین و ارزشهای مذهبی به طور ناخودآگاه نیز منشاء اثر می‌شود و برخی از سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران از آن به عنوان توجیه‌کننده شکست‌ها، عملکردهای ناموفق و فسادهای مالی و اداری خود، سوء استفاده می‌کنند. لازم است سیاست‌گذاران در جوامع و حکومت‌های دینی به طور جدی به این عامل مهم نظر داشته باشند تا به سمت اهداف مطلوب، با سیاست‌های جامع‌تر و کامل‌تر با موانع کمتر، گام بردارند.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی، منوری، نوح. (۱۳۸۹). ارائه مدلی برای تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ۲۰: ۴۷-۷۶.
- آقائظری، حسن، دانش، سیدحسینعلی. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی الگوهای رفتار عقلانی در اقتصاد سنتی (متعارف) از نظریه‌های عقلانیت در سایر دانش. *مطالعات اقتصاد*. ۱۲: ۱۵۸-۱۲۹.
- ابراهیم‌بای سلامی، غلامحیدر. (۱۳۸۵). فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایران. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ۵: ۲۳۴-۲۱۳.
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۶). *سیاست‌گذاری عمومی در ایران*. تهران: میزان.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۹۲). *تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی*. تهران: سمت.
- الوانی، سید مهدی، صرافی زاده، اصغر. (۱۳۸۰). تحلیل عوامل موثر بر شکل‌گیری خط‌مشی‌های عمومی در جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگوی بهینه. *مطالعات مدیریت، بهبود و تحول*. ۳۰ و ۲۹: ۱۶۷-۱۴۲.
- باقری، یاسر، تاج مزینانی، علی اکبر، غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۶). وضعیت زمان، مسئله بودگی و صورت‌بندی سیاست‌گذاری اجتماعی (مطالعه موردی؛ لوايح و طرح‌های مجلس هشتم و نهم). *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۳۳: ۳۶-۱.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۸۷). *مطالعات پایه، ساختار و روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تحلیل متون آموزشی و پژوهشی. ۴۰: ۳۴۸-۳۱۳.
- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. *راهبرد فرهنگ*. ۳: ۶۴-۳۳.
- خدایاری زرنق، رحیم، رواقی، حمید، مصدق راد، علی محمد، مبصری، خورشید. (۱۳۹۶). تحلیل نقش دین در سیاست‌گذاری ایدز در ایران. *پژوهش در دین و سلامت*. ۴: ۸۹-۱۰۲.
- خنیفر، حسین، آقداغی، میثم. (۱۳۹۴). الگوی مفهومی سطوح تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی بر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*. ۲۲: ۶۲-۴۵.
- سیدجوادی، سیدرضا. (۱۳۹۶). *میانی سازمان و مدیریت*. تهران: نگاه دانش.
- طاهری یخفروزانی، فاطمه، بهلولی زیناب، نادر، سرمست، بهرام. (۱۳۹۴). ارائه الگوی بهینه تصمیم‌گیری مبتنی بر مدل اجتماعی تصمیم‌گیری در سازمان‌های دولتی. *مجلس و راهبرد*. ۸۲: ۱۳۲-۱۷.
- طباطبایی، سیدمحمد، جعفرزادگان، امیر. (۱۳۹۷). بازیگران فراملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. ۲۷: ۱۴۲-۱۲۱.
- قاضی، سیدابوالفضل. (۱۳۸۷). *بایسته‌های حقوق اساسی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مارش، دیوید، استوکر، جری. (۱۳۹۰). *روشن و نظریه در علوم سیاسی*. امیر محمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محسنیان راد، مهدی، شاکری، محمدعلی. (۱۳۹۳). مشکلات فرهنگی و ارتباطی در کشورهای اسلامی استعمار زده (مورد مطالعه تونس). رسانه. ۱: ۴۰-۲۱.

مصلی نژاد، عباس. (۱۳۹۸). سیاستگذاری ساختار قدرت در ایران. تهران. دانشگاه تهران.

نیازی، محسن، حسن زاده، زهرا، تورنجی پور، فاطمه، سخایی، ایوب. (۱۳۹۹). مطالعات رابطه بین دینداری و مشارکت سیاسی شهروندان در ایران در دهه ۱۳۹۴-۱۳۸۴. مجلس و راهبرد. ۱۰۲: ۲۳۹-۲۱۳.

وحید، مجید. (۱۳۸۸). سیاستگذاری عمومی. تهران. میزان.

Gaitho, Peter, Rigii. (2019), "Religion on leadership styles and leadership roles; a critical literature review", *Microeconomics and Macroeconomics*, vol.7 (1), pp: 8-11.

Idleman, Scott C. (1993) "The Role of Religious Values in Judicial Decision Making," *Indiana Law Journal*: Vol. 68 (2), pp: 433-487.